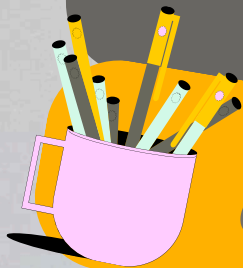


نوشته های

از

نسل نوین



ویسپوبیش، سال ۱، شماره ۴



بچه مثبت؟



تارا نیلی



وای که چقدر رررر از این اصطلاح بدم میاد! اصطلاحی که جدیداً به شدت بین همهی ما رواج پیدا کرده و بین حرفامون ازش استفاده می‌کنیم!

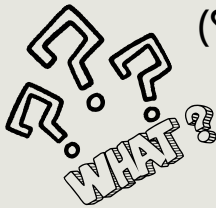
اینجا صحبت از دو دسته از بچه‌هاست؛ یکی اونایی که اسم‌شون شده بچه مثبت چون کارایی که به قول بعضیا، یه نوجوون باید انجام بده رو انجام نمی‌دن. دوم اونایی که بقیه رو بچه مثبت صدا می‌کنن و به قول خودشون، نهایت سوءاستفاده رو از این دوره کردن!

حالا اون کارایی که به خیال اینا، یه نوجوون باید توی این سن و سال بکنه تا خوش بگذره، چیه؟! سیگار و ویپ! انواع مشروب و الکل! بددهنی و توی هر جمله

پنج شیش تا فحش دادن! و بعد هم داشتن انواع و اقسام رابطه‌ها و...



بعضیا به نظرشون واقعاً نوجوونی کردن به ایناس ولی من یکی که اصلاً اینطور فکر نمی‌کنم... (اگه به نظرتون دارم اشتباه می‌کنم، لطفاً برام بنویسین که چرا باهام موافق نیستین؟)



از دید اون گروه از عزیزان، در واقع هر نوجوونی که اهل این مدل کارا نباشه یعنی اصلاً نوجوونی نکرده و درواقع یک آدم سالخورده به حساب میاد و حق‌شه که بچه مثبت یا پاستوریزه خطاب بشه! این حتی باعث می‌شه که به اون شخص پاستوریزه بگن: «تو جرأت‌شو نداری این کارو بکنی» یا «معلومه که حسابی می‌ترسیا!» اما آخه کدوم ترس؟ از کی؟ از پدر و مادر؟!





خودمونیم، ما بخوایم کاری رو دور از چشم اونا انجام بدیم، می‌دیم! حالا خوبه که نظر منو در این باره بدونین: «اتفاقاً به نظر من اونایی جرأت دارن که این کارا رو انجام نمی‌دن!»

می‌دونین چرا؟ چون خیلی سخته که توی جامعه‌ای که اکثر نوجووناش از شدت بی‌انگیزگی و افسردگی می‌رن سراغ این کارا، کسی بتونه نوجوون سالمی باشه و کارهای مفیدی بکنه! چنین شخصی تازه باید اونقدر شجاع باشه که بعدشم کلی از هم‌سن‌های خودش بشنوه که بهش میگن پاستوریزه و استریلیزه و بچه مثبت و...



اشتباه نشه! من با خوش بودن و قدر فرصت‌ها رو دونستن مشکلی ندارم فقط می‌گم چرا با چیزایی که این همه بهمون صدمه می‌زنن؟!

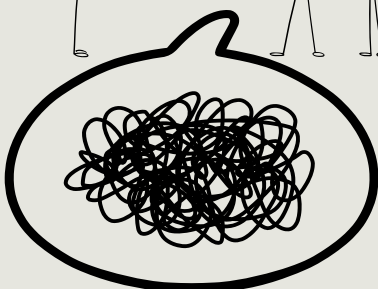
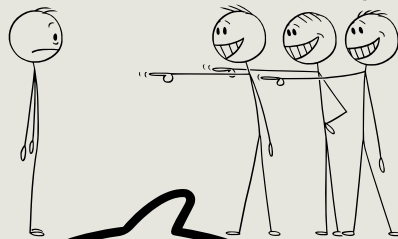


اصلاً بذارین یه مثالی بزnm تا بهتر منظورمو برسونم: فکر کنم دو سه هفته پیش بود که من یه روز تصمیم گرفتم تلاش کنم از این به بعد دیگه توی حرفام از فحش و حرفایی که خودتون می‌دونین استفاده نکنم! همون روز، توی گروه دوستانم یه صحبتی شد و منم گفتم که تصمیم گرفتم حواسم باشه فحش ندم و خوب حرف بزnm! تا اینو گفتم، به غیر از دو سه تا دوستانم که باهام موافق بودن، بقیه شروع کردن به گفتن...


بابا این مدل با آدیا مال دهه پنجاهه!

اوهو... چه بچه مثبت!

الان دیگه بدون فحش، اصلاً حسابت نمی‌کنن!



...

حالا بگذریم که بعد از این قضیه و فراز و فرودای دیگه، همون دوستام دارن سعی می‌کنن، فحش ندن و خوب حرف بزنن!  ولی همین باعث شد که من بخوام در مورد این موضوع، یه یادداشت کوتاه بنویسم.

**ختم کلام:** اگه جزو دسته‌ی اول هستین، باید بگم که نباید حرف بعضی همسن‌هامون باعث بشه که بریم سراغ یه کارایی که شاید دوست هم نداریم؛ ولی از ترس اینکه بچه مثبت به حساب بیایم، انجامشون بدیم!



ولی اگه جزو دسته‌ی دوم هستین، باید بگم که انجام این مدل کارا، نه نشونه‌ی بزرگ شدن، نه خفن بودن و آزادی! پس اگه یکی از دور و وری‌هاتون، تصمیم گرفته به خودش صدمه نزنه، دست‌کم اگه تشویقش نمی‌کنین، کاری هم نکنین که با حرفای شما از راه بیراه بشه و از همه مهم‌تر اینکه، لطفاً از «اون اصطلاح» درباره‌اش استفاده نکنین!



شب بخیر همگی!  
تارا